



غدير در همه اعصار بايد باشد و
روشى كه حضرت امير در اين
حکومت پيش گرفته است بايد
روش ملتها و دست اندر کاران باشد.

عید غدیر خم ۱۳۶۵/۶/۲

اگر ما هم بخواهیم حقیقتاً از متمسکین به
ولایت امیرالمؤمنین باشیم، باید خودمان و
محیط زندگی‌مان را به عدل نزدیک کنیم.

در دیدار کارگزاران نظام
عید غدیر خم ۱۳۸۱/۱۲/۱

قیمت دوره: ۳۰۰۰۰ تومان

سایت سازمان: www.oghaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir



سازمان اوقاف و امور خیریه

معاونت فرهنگی و اجتماعی

تهیه، تنظیم و ناشر: مجتمع فرهنگی آموزشی

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۷۰۰ دوره

غیر قابل فروش
اهدایی

آدرس تهران: خ نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه

آدرس قم: بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی، مجتمع فرهنگی آموزشی، تلفن: ۰۲۵ - ۳۸۱۸۷۱۰۸

خبر بین مردم مدینه دهان به دهان می پیچد و حتی به سفارش پیامبر ﷺ به شهرهای دیگر هم رسانده می شود. بیست و سه سال از آغاز رسالت پیامبر ﷺ می گذرد و «او» تا به امروز چنین چیزی از مردم نخواست. فرموده هر کس از مردم که می تواند، «او» را در این سفر همراهی کند. نام این سفر را گذاشته: «حج خداحافظی».

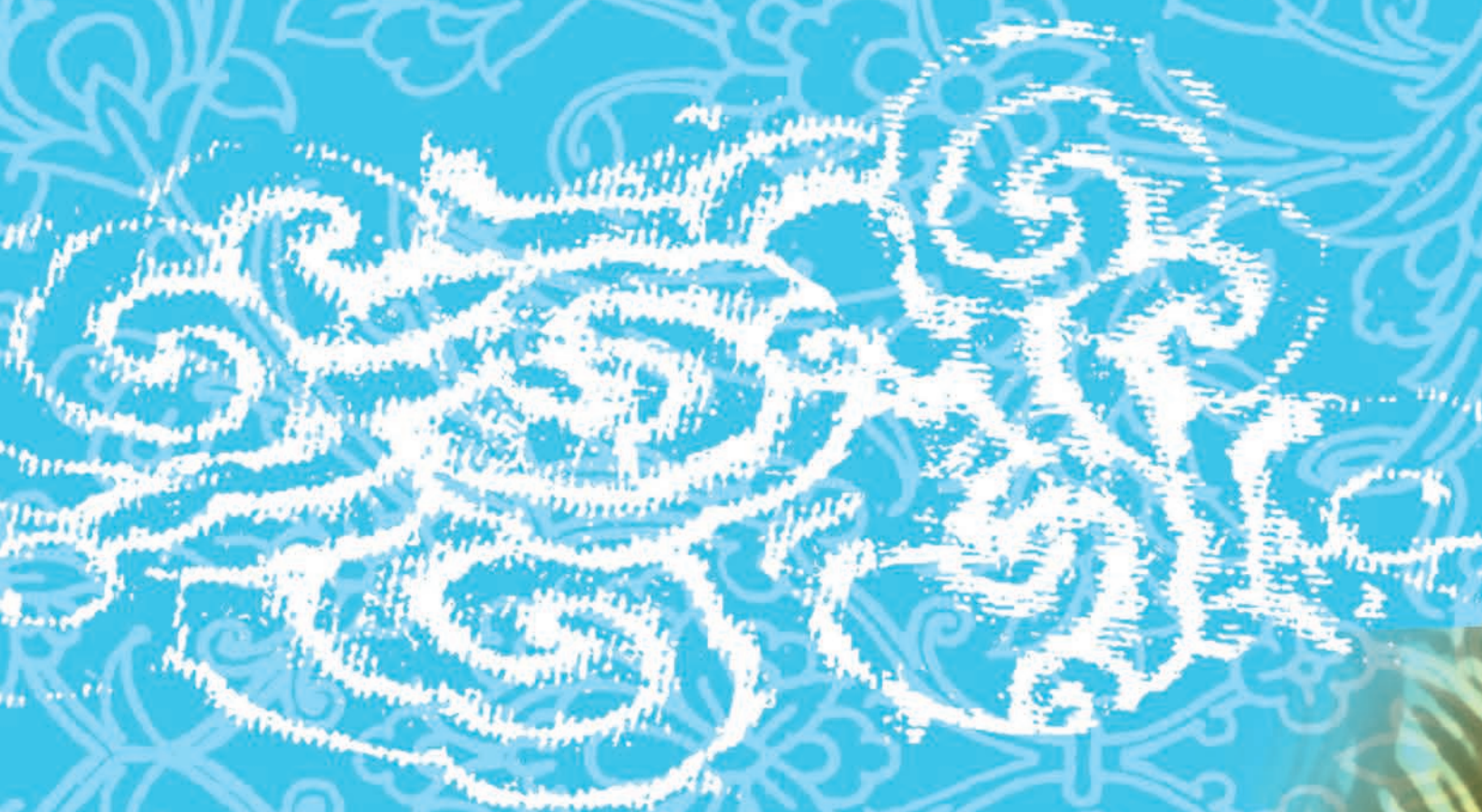
● [عوالم العلوم، ج ۳، ص ۱۶۷. الغدیر، ج ۱، ص ۹ و ۱۰. بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۶۰، ۳۸۳ و ۳۹۰. ج ۲۸، ص ۹۵. ج ۳۷، ص ۲۰۱.]

لَسِيكَ لَسِيكَ لَسِيكَ لَسِيكَ لَسِيكَ لَسِيكَ لَسِيكَ لَسِيكَ لَسِيكَ لَسِيكَ



علی علیه السلام در سفر است و آن قدر مشتاق دیدار حبیبش رسول خدا صلی الله علیه و آله است که جلوتر از لشکریان به سوی مکه می تازد. گویی سوار بر بال ملائک است. وقتی که گزارش سفر یمن را به پیامبر صلی الله علیه و آله می دهد چشمان حضرت از شادمانی می درخشد. علی علیه السلام همان است که باید باشد. همان که بهانه تمام این سفر است. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می دهد هر چه زودتر لشکریان و حجاج یمنی را به مکه بیاورد.

● [بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۶۰. ج ۳۷، ص ۲۰۱. عوالم العلوم، ج ۳، ص ۲۹۷.]



وقتی روز دوازدهم ذی‌الحجه اعمال حج تمام می‌شود، دستور خدا بر پیامبر ﷺ نازل می‌شود: «نبوت تو به پایان رسیده ... اسم اعظم و آثار علم و میراث انبیاء را به علی بن ابی‌طالب بسپار ... من زمین را بدون عالمی که اطاعت من و ولایت من با او شناخته شود و حجت بعد از پیامبرم باشد رها نخواهم کرد.»

● [بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۹۶. ج ۳۷، ص ۲۰۲. ج ۴۰، ص ۲۱۶.]

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

سَائِلُكُمْ فِي حَجِّكُمْ
فَالْحَجُّ لِلَّهِ
مَعَهُ



همه فکر می‌کنند پیامبر ﷺ در این آخرین حج قدری بیشتر در مکه بماند؛ اما انگار کار مهمتری در غدیر انتظار محمد ﷺ را می‌کشد. به بلال می‌فرمایند که اعلام کن: فردا - چهاردهم ذی الحجه - همه باید حرکت کنند تا در وقت معین در «غدیر خم» حاضر باشند و کسی جز معلولان نباید باقی بماند! بلال هم چون بلبل خوش نغمه مثل همیشه آواز سر می‌دهد، گویی که اذان می‌گوید برای اقامه نماز ولایت در غدیر.

● [بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۱۱ و ۱۲۰. عوالم العلوم، ج ۳، ص ۱۵، کتاب سلیم، ص ۷۳۰.]



پیش از آن که کاروان به سمت غدیر حرکت کند پیامبر ﷺ به بزرگان اصحاب امر می‌کند که جمع شوند و با احترام به پیش علی ﷺ بروند و به او با عنوان «امیرالمومنین» سلام بگویند. عده‌ای می‌پرسند: «این حقی از طرف خدا و رسول است؟!» پیامبر ﷺ خشمگین می‌فرماید: «خداوند این دستور را به من داده است!»

● [بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۱۱ و ۱۲۰. عوالم العلوم، ج ۳، ص ۱۵، کتاب سلیم، ص ۷۳۰.]



مکه به یکباره ساکت و خالی شده. همه، فتح و پیروزی را در غدیر می‌جویند. گویی آیه فتح و نصر دوباره نازل شده است. انگار در و دیوار شهر هم مشتاق رفتن هستند. مردم، صدوبیست‌هزار نفری می‌شوند. حتی پنج‌هزار نفر از اهل مکه و دوازده هزار نفر از اهل یمن هم در جهت مخالف مسیر شهرهایشان برای رفتن به غدیر همراه پیامبر ﷺ رفته‌اند. صدوبیست‌هزار سوال به دنبال جواب خود در «غدیر» هستند.

● [بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۸۷. ج ۳۷، ص ۱۷۳. ج ۹۸، ص ۲۹۸. عوالم العلوم، ج ۳، ص ۵۰.]



پیامبر ﷺ قبل از غدیر، در دو موقعیت حساس برای مردم خطابه ایراد می کند تا زمینه سازی باشد برای خطبه غدیر. اولین خطابه در منی است و دومی در مسجد خیف. مردم را بر حذر می دارند از اینکه بعد از او اختلاف کنند و بر روی یکدیگر شمشیر بکشند؛ به دوری از تفرقه اشاره می کنند و اشاره ای هم به مسئله خلافت دارند. تصریح می کنند که: «اگر من نباشم علی بن ابی طالب در مقابل متخلفین خواهد ایستاد». و سپس حدیث ثقلین را می خوانند. «من دو چیز گران بها در میان شما باقی می گذارم که اگر به این دو تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم».

• [بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۱۱۳. ج ۲۱ ص ۳۸۰.]



کتاب خداوند

قال رسول الله ﷺ

اني تارك فيكم الثقلين

شمارا به (تمسک به) دو چیز گران بها که کتاب خدا و عترت و خاندان من است، سفارش می کنم. بدانید که این دو تا زمانی که روز قیامت نزد حوض کوشر بر من وارد شوند هیچ گاه لحظه ای از هم جدا نمی شوند.

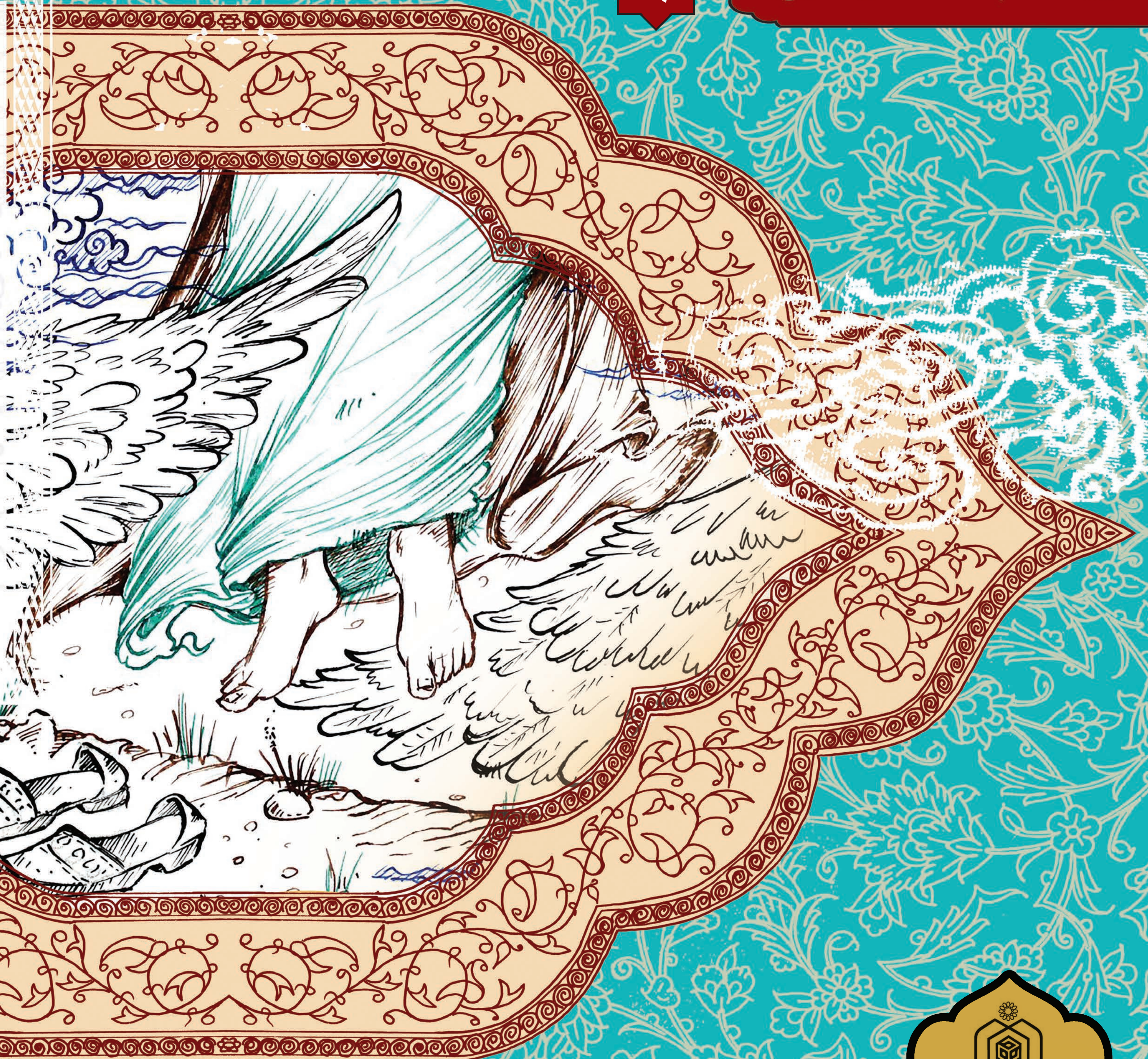
کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۹۵۳



منبر را زیر سایه درختان و از جهاز شتر ساخته‌اند. رسول خدا ﷺ دست علی را می‌گیرد و با هم به بالای منبر می‌روند. مردم منتظرند تا ببینند این چه پیامی است که به خاطرش زیر آفتاب داغ صحرا منتظر ایستاده‌اند. پیامبر ﷺ می‌گوید که مأمور به گفتن چیزی است که اگر نگوید بیست و سه سال رسالت و تبلیغش می‌شود: هیچ! بدون ولایت و بدون علی همه چیز هیچ است. همه چیز!

 «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»
 ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

● [سوره مائده، آیه ۶۷].



همه‌ها می‌خوابد. نفس‌ها در سینه حبس شده. همه می‌خواهند بدانند چه خواهد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از این مردم را منتظر نمی‌گذارد. خطبه می‌خواند، تا آنجا که می‌فرماید: «من مأمورم تا بر هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر اتمم و امام بعد از من است ... بدانید که هر کس من مولای اویم پس این علی مولای اوست.»

● [بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۸۷]



پیامبر ﷺ می‌خواهد ریشه طمع را در فرصت‌طلبان بخشکند، توضیح می‌دهد که ولایت و امامت علی علیه السلام نه یک مقام تشریفاتی بلکه ولایتی کامل در زندگی فردی و اجتماعی است.

رسول خدا ﷺ می‌داند که اگر مردم حالا از علی علیه السلام گریزان شوند بزودی جماعت بی‌شماری گرداگرد علی علیه السلام را خواهند گرفت. می‌داند که سال‌ها بعد مردمی از نسل «من» و «تو» عشقشان علی علیه السلام است و یک شهر آسمانی و یک ایوان طلایی. باری گران بر دوش داریم. باید که در همه ابعاد زندگی مان روش زندگی علی علیه السلام را جاری کنیم.

● [بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۸۷.]



علی علیه السلام به عنوان جانشین آخرین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به همگان معرفی می شود. عده‌ای تبریک می گویند و تلاش برای بیعت کردن بالا گرفته است. فرشته وحی نازل می شود و با آیه اش جان تازه‌ای می دهد به واقعه غدیر. خبر می دهد کامل شدن دین را که اگر نبود اعلام خلافت و جانشینی علی علیه السلام دین ناقص بود و رسالت هم تمام نشده بود.

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا
امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود
را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما
[به عنوان] آیینی برگزیدم.

● [سوره مائده، آیه ۳.]

دین کامل شد

الْيَوْمَ يَتَسَّ الدِّينَ كَفَرُوا مِنْ
دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ

وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي
وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا



در عرب هر وقت می خواهند ریاست بزرگی را اعلام کنند، طی مراسمی به سرش عمامه می بندند. این مراسم وقتی جدی تر می شود که شخص بزرگی عمامه خودش را بر سر کسی بگذارد؛ این یعنی نهایت اعتماد. پیامبر ﷺ هم عمامه خودش را که نامش سحاب است بر سر علی علیه السلام می بندد و انتهایش را بر دوش حضرت می اندازد.

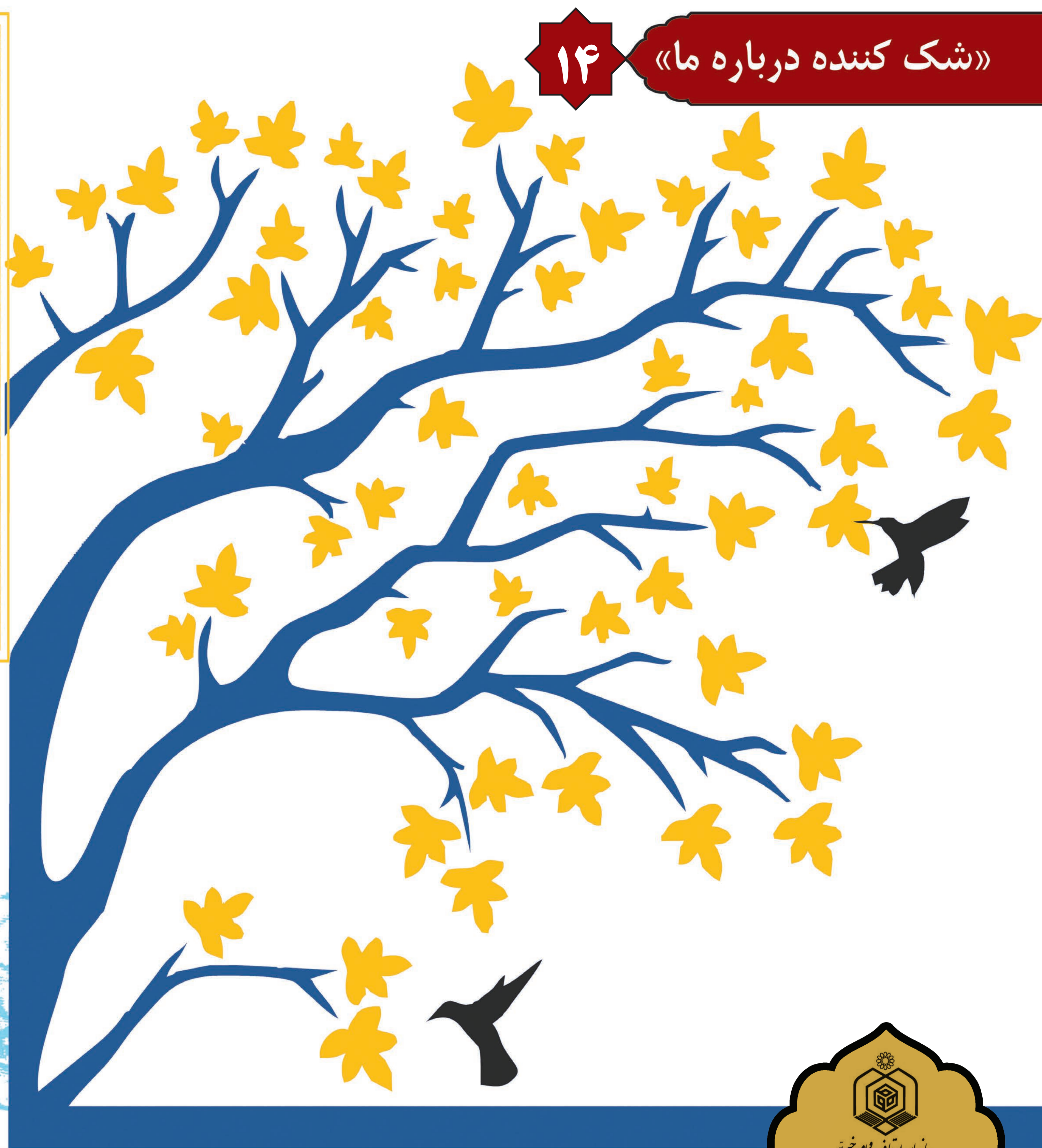
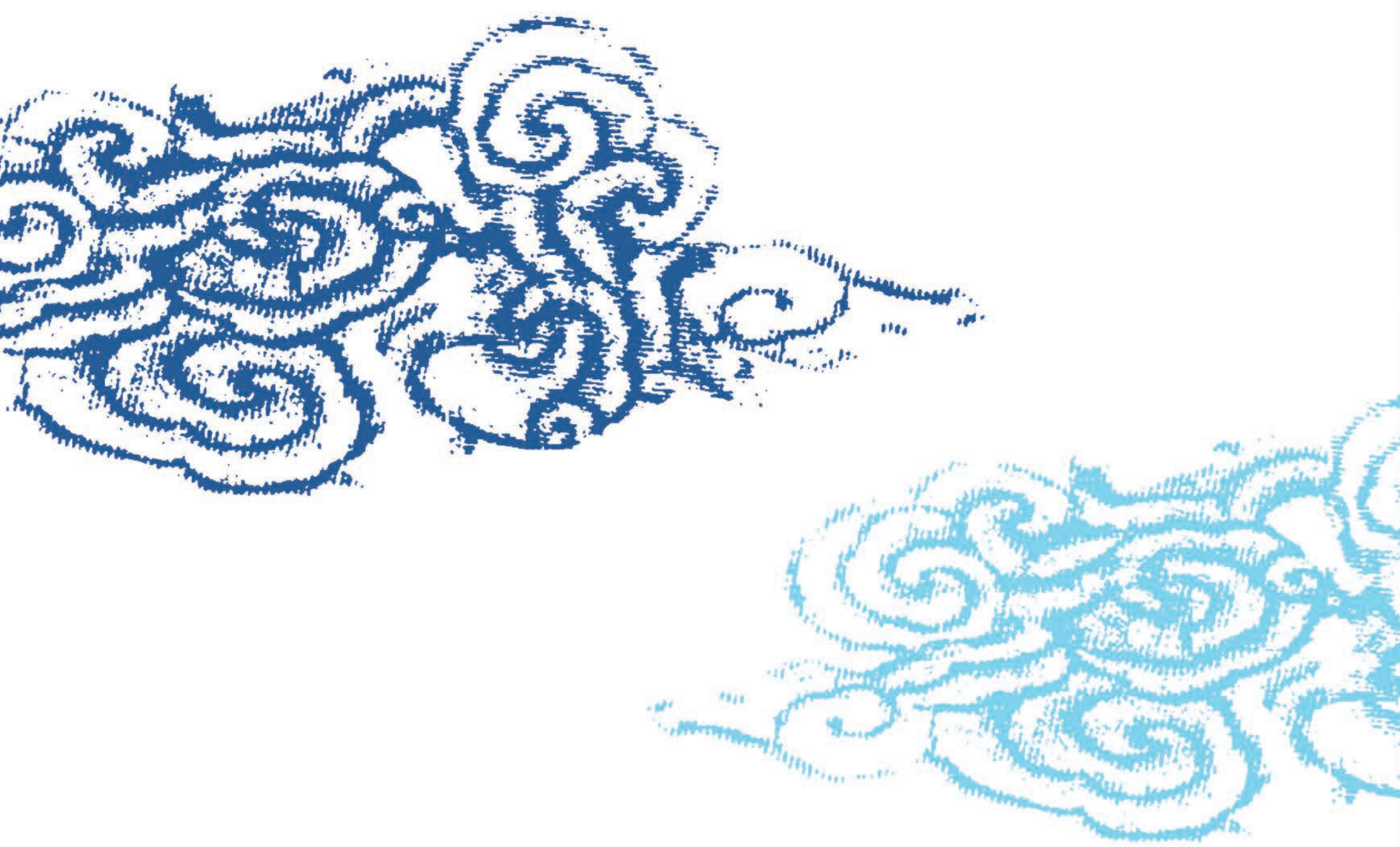
● [الغدیر، ج ۱، ص ۲۹۱. عوالم، ج ۳، ص ۱۹۹. اثبات الهداة، ج ۲، ص ۲۱. کفایة الطالب، ص ۶۴.]



پیامبر ﷺ از حسدی که در سینه بعضی شعله میکشد خبر دارد. از این که چطور پس از او از منبرش بالا می‌روند و خون بهترین فرزندانش را بر زمین می‌ریزند. پس می‌فرماید: «هر کس در چیزی از این گفتار من شک کند در همه آنچه بر من نازل شده شک کرده و هر کس در یکی از امامان شک کند در همه آنان شک کرده و شک کننده درباره ما در آتش است.»

«من» و «تو» مسئولیم، مسئولیم که این دُرها و الماس‌ها و این گل‌های کلام رسول خدا ﷺ را بگیریم و به همه برسانیم.

● [بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۸۷.]



می‌خواهد به هر نحوی که شده راه را بر انحراف ببندد. از مردم می‌خواهد جملاتی که می‌گوید را تکرار کنند. این آخرین راه آخرین پیامبر خدا ﷺ برای دوری و جلوگیری از تلاش‌های منافقین و انحراف جامعه اسلامی است. صدایش را بالا می‌آورد و می‌گوید:

پس همه باهم بگویید: «ما آنچه از جانب پروردگار خود و پروردگار ما، درباره امامت علی علیه السلام و امامانی که فرزندانش هستند به ما رسانده‌ای، شنیدیم و به آن سر تسلیم نهاده‌ایم و خشنودیم و فرمان‌بر؛ و با دل و جان و زبان و دست بر این امر با تو بیعت می‌کنیم ... و هیچ‌گاه در این پیمان تغییر و تبدیل روا نمی‌داریم و در آن شک و تردید نمی‌ورزیم و از پیمان باز نمی‌گردیم و عهد خویش را نمی‌شکنیم ...»

و این فقط بخشی از این «عهد ماندگار» است. عهد ماندگاری که محمد صلی الله علیه و آله کلمه به کلمه گفت و مردم در روز عید غدیر تکرار کردند.

بِسْمِ اللَّهِ
لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ
لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ
لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ
لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ

بِسْمِ اللَّهِ
لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ



«روز غدیر» هم تمام می‌شود. در آن سال‌های دور. به این فکر کن که در این روزگاری که این همه وسیله‌های ارتباطی هست و عکس و فیلم و خبر، عده‌ای انکار می‌کنند حقیقت را. بمب بر سر کودکان می‌ریزند و انکار می‌کنند اتفاق افتادنش را... حالا از آن روزگار قدیم سینه به سینه عده‌ای تلاش کرده‌اند «غدیر» را حفظ کنند و نگهدارند. «تو» نیز رسانه باش و پیام‌رسان «غدیر»، که عهد گرفت محمد ﷺ از همه ما که برسائیم پیام «غدیر» را. پیام‌رسان باشیم، پیام‌رسان محمد ﷺ پیام «غدیر» تمام‌شدنی نیست.

«فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»

رسول خدا ﷺ در بخشی از خطبه غدیر می‌فرماید:

«پس حاضران به غایبان و فرزندان به فرزندان خویش تا برپایی روز قیامت سخنان امروز مرا برسانند»

